

The Status and Effects of Private Environmental Standards and Distinguishing them from International Rules

(Type of Paper: Research Article)

Sadeq Jafarzadeh Darabi^{1*}, Ebrahim Beigzadeh², Mir Shahbiz Shafei³

Abstract

Various expressions are used in international law for reflecting different types and levels of normativity, such as rules, guidelines, statements, codes of conduct, standards, etc. Although some of them have clear meaning and obligatory scope the others such as “standards” are vague and uncertain. Standards are set by states and non-state actors but in both cases they create some kind of commitment. Some standards are reflected in obligatory international law structures especially in regard to environmental protection. This paper will illustrate the status of international standards and especially private standards, their normativity power and the capacity of standard setters in international law sphere. In this paper, analytical method and social phenomenology have been used. To conclude, the result of assessments shows that private standards practically have binding powers to some extent.

Keywords

environment, emission of GH gases, rule, shipping, standard.

1. Ph.D in International Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (Corresponding Author). Email: sadeghjafarzadeh67@gmail.com
 2. Prof. Department of Public and International Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: Ebrahim_Beigzadeh@sbu.ac.ir
 3. Assistant Prof. Department of Public and International Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: mirshahbiz@hotmail.com
- Received: May 15, 2020 – Accepted: November 9, 2020



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

جایگاه و آثار استانداردهای خصوصی زیست محیطی و بازشناسی آنها از قواعد بین‌المللی

(نوع مقاله: علمی - پژوهشی)

صادق جعفرزاده درابی^{۱*}، ابراهیم بیگزاده^۲، میرشهبیز شافع^۳

چکیده

در حقوق بین‌الملل واژگان متعددی برای اشاره به وضعیت هنجاری یک مقرر به کار می‌رود. اصطلاحاتی همچون قاعده، هنجار، استاندارد، اصول راهنما، کدهای رفتاری و مقررات همگی در زمره این تعابیرند. هرچند جایگاه و مبنای برخی از این تعابیر کاملاً شناخته شده است، اما وضعیت برخی از آنها در هاله‌ای از ابهام بوده و مستلزم بررسی بیشتری هستند. استانداردهای بین‌المللی از مفاهیمی‌اند که در دسته اخیر قرار می‌گیرند. استانداردها بعضاً توسط خود دولت‌ها و گاهی نیز توسط نهادهای غیردولتی وضع می‌شوند، با این حال موجد الزاماتی هستند. برخی از این استانداردها در پاره‌ای از ساختارهای الزام‌آور حقوقی بین‌المللی به‌ویژه آنهایی که در قلمرو حفاظت از محیط زیست ایجاد شده‌اند، منعکس می‌شوند. مقاله حاضر در پی روشن ساختن جایگاه استانداردهای بین‌المللی به‌ویژه استانداردهای خصوصی، قدرت هنجاری آنها و ظرفیت و صلاحیت نهادهای واضع آنان است. برای این منظور از شیوه توصیفی-تحلیلی و پدیدارشناختی اجتماعی استفاده شده است. نتیجه بررسی‌ها حاکی از آن است که استانداردهای خصوصی زیست محیطی، عملاً از الزام نسبی برخوردارند.

کلیدواژگان

استاندارد، انتشار گازهای گلخانه‌ای، قاعده، کشتیرانی، محیط زیست.

۱. دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Email: sadeghjafarzadeh67@gmail.com
۲. استاد، حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
Email: Ebrahim_Beigzadeh@sbu.ac.ir
۳. استادیار، حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
Email: mirshahbiz@hotmail.com

مقدمه

قاعده، مقرر، نظرهای تفسیری، اصول راهنما، کدهای دستوری و عناوین دیگری که دارای بار معنایی هنجاری هستند، در حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل به کار می‌روند. هرچند برخی از این مفاهیم مفهوم مشخص و دقیقی دارند، اما برخی دیگر شفاف نیستند. از جمله این مفاهیم باید به استانداردها اشاره کرد. در بسیاری از موارد از واژه «استاندارد» نه به‌عنوان منبع الزام یا هنجاری خاص، بلکه به‌منزله کیفیت یک هنجار استفاده می‌شود. برای مثال عنوان می‌شود که مندرجات ماده‌ای از معاهده نسبت به ماده دیگر متضمن استاندارد بالاتر یا پایین‌تری است. در این معنا، استاندارد به‌مثابه یک شاخص است. آنچه در این مقاله مورد بحث قرار خواهد گرفت، «استاندارد» به‌مثابه منبع الزام یا هنجار رفتاری است. عمده استانداردها توسط نهادهای غیردولتی وضع می‌شوند، اما برخی از مفاد کنوانسیون‌های بین‌المللی در قالب استاندارد، تهیه و تنظیم شده و کشورها در زمان تهیه پیش‌نویس آنها و تصویب این اسناد در تدارک آنها نقش‌آفرین بوده و در واقع اراده خود را در خصوص آنها اعلام کرده‌اند. نمونه بارز این وضعیت، کنوانسیون کار دریایی مصوب ۲۰۰۶ است. این سند شامل مواد و کد است که خود کد نیز به دو بخش «استانداردهای لازم‌الاجرا» و «اصول راهنمای غیرالزام‌آور» تقسیم می‌شود (Maritime Labor Convention, 2006).

منابع حقوق بین‌الملل برخلاف منابع نظام‌های داخلی از انسجام و نظم علمی برخوردار نیست و رشد و توسعه آن فقط با افزایش پی‌درپی اعمال حقوقی پراکنده امکان‌پذیر شده است (فلسفی، ۱۳۸۷: ۳۴). این توضیح، کاملاً بازگوکننده چرایی تنوع و تعدد منابع در عرصه حقوق بین‌الملل است. حوزه سنتی وضع قواعد و هنجارها به‌غیر از دولت‌ها شامل سازمان‌های بین‌المللی می‌شود که به‌صورت رسمی و با اسناد بین‌المللی تأسیس می‌شوند، اما خارج از کنترل مؤثر دولت‌های عضو عمل می‌کنند. در کنار آنها شبکه‌های غیررسمی مقامات ملی که در پی سیاست مشترک در حوزه‌های خاص هستند (مثل کمیته بازل در خصوص استانداردهای بانکی)، الگوی مشارکت‌های خصوصی-عمومی (مثل کمیسیون جهانی سدها و صندوق جهانی مبارزه با ایدز، مالاریا و سل)، مؤسسات کاملاً خصوصی (همکاری اینترنتی برای تعیین نام‌ها و اعداد) و جوامع بازیگران غیردولتی که شامل شرکت‌های فراملی (اصول استوا) و سازمان‌های غیردولتی است نیز به‌دنبال استقرار استانداردهای هنجاری هستند. همگی این الگوها در چند دهه اخیر ظاهر شده‌اند. عمده این استانداردها به‌ویژه آنهایی که در حوزه محیط زیست وضع شده‌اند، داوطلبانه‌اند و با هدف تسهیل همکاری فنی از طریق استانداردسازی و حل برونداد اجتماعی و زیست‌محیطی مانند تغییر اقلیم، مقابله با آلودگی و ... مقرر می‌شوند. به‌واسطه اینکه این استانداردها توسط نهادهای خصوصی و نه عمومی وضع می‌شوند، از آنها با عنوان «استانداردهای خصوصی»^۱ نام برده می‌شود (Scott et al., 2017: 236).

اینکه چه نهادی استانداردها را وضع می‌کند؟ این استانداردها از منظر الزام‌آور بودن در چه جایگاهی هستند و ارتباط آنها با سایر اسناد و منابع الزام‌آور حقوق بین‌الملل چیست؟ همگی پرسش‌هایی هستند که پاسخ آنها مستلزم ارزیابی موضوعاتی مانند نقش و جایگاه استانداردها در مقابل قواعد، جایگاه بازیگران غیردولتی در عرصه بین‌المللی، نسبت هنجاری در حقوق بین‌الملل، تحول وضع هنجار در آن و حقوق فراملی است. دولت‌ها و بازیگران غیردولتی به وضع استاندارد می‌پردازند. دولت‌ها زمانی که در پی حمایت از موضوعی‌اند که دارای ترکیبی از وقایع مختلف است و با عدم قطعیت روبه‌روست، حاشیه‌ای از صلاحدید را در هنجار لازم می‌دانند، در این حالت آنها از تعبیر استاندارد استفاده می‌کنند. در مواردی که از تعبیری مانند «مراقبت مقتضی» یا «رفتار متعارف» صحبت می‌شود، دقیقاً این مسئله قابل ملاحظه است. ولی در خصوص مواردی که ذاتاً اهمیت زیادی دارند، یا اینکه حداکثر قطعیت برای آنها ضروری است، از تعبیر قاعده بهره می‌گیرند. درحالی‌که بازیگران غیردولتی از تعبیری مانند «استاندارد»، «اصول رفتاری» یا «برنامه عمل» در یک معنا استفاده می‌کنند که ابتدا به ساکن در زمره حقوق نرم قرار دارند، اما می‌توانند به فراخور و با توجه به اوضاع و احوال، همان‌طور که مصادیقی از آن عنوان خواهد شد، برای بازیگران غیردولتی و حتی دولتی الزام ایجاد کنند. در این مقاله در چهار بند نخست به مسائل نظری و در بند پایانی به برخی مصادیق استانداردها می‌پردازیم.

مبانی جایگاه بازیگران غیردولتی در هنجارسازی بین‌المللی

برای تبیین جایگاه بازیگران غیردولتی در ساختار بین‌المللی در حوزه استانداردگذاری، ناگزیر باید نقش آنها در سیستم حقوقی را شناخت. این بازیگران در رویکردهای مختلف به صورت متفاوتی ارزیابی می‌شوند. به اعتقاد هارت برای شناسایی یک سیستم حقوقی باید افزون‌بر «قواعد اولیه تکلیفی»، «قواعد ثانویه تغییر و قضاوت» نیز وجود داشته باشد تا بتوان به صورت قطعی قاعده را نشان داد، تعیین کرد، تغییر داد، اجرا و در نهایت به‌طور قطعی نقض آنها را تعیین کرد. این قواعد اولیه و ثانویه که توسط متصدی حقوقی به اجرا درمی‌آیند، نظام حقوقی را تشکیل می‌دهند. ماهیت متمایزکننده حقوق برای هارت عبارت است از: «الزام نهادین قاعده» (Hart, 2012: 94). به تعبیر دیگر، بازیگران غیردولتی در نگاه هارت کمترین اهمیت را ندارند. جمع بین قواعد اولیه و ثانویه و تعریف سیستم حقوقی به آن دو، به محدود شدن به حقوق دولتی منجر می‌شود. این در حالی است که *تاماناها*، حقوق را آن چیزی می‌داند که مردم از طریق اعمال اجتماعی به‌عنوان حقوق شناسایی کرده و مطابق آن رفتار می‌کنند (Tamanaha, 2001: 166).

مفهوم نظام حقوقی در بین صاحب‌نظران متفاوت است. برای مثال به اعتقاد توینینگ^۱ ممکن است مجموعه‌ای از قواعد به‌عنوان نظام حقوقی شناخته شود، حتی با اینکه هیچ کارکردی نداشته باشد، غیرمؤثر باشد، نهادهایی نداشته یا الزام نیز نداشته باشد، از جمع قواعد اولیه و ثانویه تشکیل نشده باشد و حتی متضمن هیچ عنصر هنجاری نباشد. به اعتقاد او حقوق، نظامی از ارتباطات است که در قالب تعابیر حقوقی تنظیم شده‌اند و متصف به وصف قانونی یا غیرقانونی می‌شوند و از طریق اقتداری که خود تابع رژیم حقوقی است، صادر شده‌اند و یک سری فعال حقوقی نیز وجود دارند که قادر به تفسیر محتوا و اجرای قواعد آن‌اند و در نتیجه حقوق را توسعه می‌دهند. این جامعه تفسیری لازم نیست با الزامات نهادین هارت یکسان باشد (Twining, 2003: 221).

یکی از رویکردهایی که برای بازیگران غیردولتی جایگاه رفیعی در نظر می‌گیرد، نظریه ظهور حاکمیت بین‌المللی است. در این نظریه، نهادهایی که حقوق را اعلان می‌کنند، می‌توانند سازمان‌های بین‌المللی دولتی، دادگاه‌های ملی، منطقه‌ای، بین‌المللی، مقنن داخلی، منطقه‌ای، نهادها و ارکان اجرایی، کمیسیون‌های حقوقدانان بین‌المللی و سازمان‌های غیردولتی باشند. به اعتقاد هارولد کوه^۲ این نهادها در کنار یکدیگر یک جامعه تفسیری را تشکیل می‌دهند که می‌تواند رفتار بین‌المللی یک دولت یا بازیگر غیردولتی دیگر را به چالش بکشند، سپس به تعریف، شفاف‌سازی و آزمودن تعریف هنجاری خاص بپردازند و در خصوص نقض آن اظهار نظر کنند. اوصاف معرف رژیم حاکمیت بین‌المللی عبارت است از: ۱. ظرفیت بازیگران غیردولتی برای فرمول‌بندی کردن واکنش‌ها به معضلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی؛ ۲. ایجاد استانداردهای نسبتاً دقیق و ۳. ظرفیت و توان تفسیر و اعمال آن استانداردها در زمینه فعالیت‌های دولت‌ها، اشخاص و سازمان‌ها (Wheatley, 2009: 222). مفهوم حاکمیت بین‌المللی در واقع توصیفی از وضعیت موجود و تحلیل نقش‌آفرینی بازیگران غیردولتی در عرصه بین‌المللی است. هرچند این مفهوم به معنای ادعای تحقق حاکمیت بین‌المللی نیست، ولی بهترین توصیف از وضعیت کنونی جایگاه و نقش بازیگران غیردولتی است.

یکی از پرسش‌هایی که باید به آن پاسخ گفت، جایگاه استانداردهای غیردولتی در بین هنجارهای بین‌المللی است. این اثرگذاری به دو شکل صورت می‌پذیرد؛ در عین اینکه استانداردها در کنار قواعد دولتی می‌توانند به‌عنوان هنجارهایی بر فعالیت بخشی از بازیگران بین‌المللی حاکم باشند، همچنین بر قاعده شناسایی سیستم اثر می‌گذارند. از این رو مباحث این بند را در دو قسمت پی می‌گیریم.

1. Twining
2. Harold Koh

۱. خودمقرری^۱

در خصوص فعالیت بازیگران غیردولتی در استانداردهای دو جریان در کنار یکدیگر قرار داشته‌اند؛ جریان اول با عنوان «خودمختاری»، به این مسئله توجه داشت که بازیگران غیردولتی بتوانند قدرت کنشگری خود را ابراز کنند. در ذیل این جریان آنها از قدرت وضع قاعده برخوردار نیستند. در مقابل، جریان دومی با عنوان «خودمقرری» ایجاد شد که در آن، بازیگران غیردولتی می‌توانند با وضع استاندارد، نقش فعالی ایفا کنند و دیگر منتظر نمی‌مانند تا دولت‌ها آنها را در فرایند وضع هنجار دخیل کنند. یکی از مصادیق جریان دوم «اصول کِرس» است که در سال ۱۹۸۹ وضع شد.^۲ این اصول ده‌گانه توسط ده‌گانه‌داران محیط زیست و اصحاب سرمایه تهیه شد که در پی استفاده پایدار از منابع و انرژی، کاهش خطر و اطلاع‌رسانی به مردم است. نمونه دیگر، پیمان جنگل‌های بارانی^۳ است که به ارتقای استانداردهایی برای پایداری حفاظت از حیات وحش و تضمین بهروزی کارگران و جوامع بومی می‌پردازد. همچنین استانداردهای مورد استفاده برای جواز فعالیت صحیح مزارع و کارخانه‌های جنگلی، مواردی هستند که توسط شبکه‌ای از سازمان‌های غیردولتی به نام «شبکه کشاورزی پایدار»^۴ و یک سازمان غیردولتی به نام «شورای نظارت جنگل»^۵ وضع شده‌اند. این سامانه‌های خودمقرری به نوعی رژیم‌های خودبسنده نیز هستند و مستقل از ارتباط با حقوق بین‌الملل تعریف‌شده توسط دولت‌ها، عمل می‌کنند (Moïse, 2011: 500).

عدم رعایت استانداردهای مذکور توسط برخی فعالان، موجب طرد شدن آن فعال از بازار محلی، منطقه‌ای یا جهانی می‌شود که مبتنی بر سازوکار «بدنام کردن و شرمسار کردن»^۶ است. یکی از آثار خودمقرری در عرصه بین‌المللی، ظهور حقوق فراملی است. این حقوق در جایی شکل می‌گیرد که دولت‌ها نقش فعالی ندارند و بازیگران غیردولتی به موازات سیستم‌های موجود و بدون توجه به مرزهای کشورها به وضع و اجرای استانداردها می‌پردازند (Trebilcock, 2018: 58).

۲. تأثیر بر قاعده شناسایی

رویکرد اثبات‌گرایی حقوقی که با شکل‌گرایی^۷ حقوقی پیوند وثیق دارد، در ابتدا بر «تئوری

1. Self-regulation

2. The CERES principles, 1989, available at:
https://www.iisd.org/business/tools/principles_ceres.aspx

3. Rainforest Alliance

4. Sustainable Agriculture Network (SAN)

5. Forest Stewardship Council (FSC)

6. Naming and shaming

۷. «فرمالیسم حقوقی» که با عنوان «صورت‌گرایی» یا «اصالت صورت» یا «فلسفه حقوق ماشینی» نیز شناخته می‌شود،

منبع» تأکید داشت و به دنبال تمییز حقوق رسمی از غیر آن بود. در این رویکرد، بازیگران غیردولتی هیچ جایگاهی نداشتند و ماحصل فعالیت آنها با عنوان حقوق غیررسمی شناخته شده و نادیده انگاشته می‌شد. «تئوری منبع» در اثبات‌گرایی به معنای این بود که حقوق به‌وسیله منبع آن شناخته می‌شود. این رویکرد رفته‌رفته با اضافه کردن «تئوری اجتماعی» سعی کرد تا از عدم قطعیت در استانداردهای تعیین‌کننده حقوق رسمی، بکاهد. «تئوری منبع» بر رویکرد قاعده‌محور و نه رویکردهای اثرمحور یا فرایندمحور تأکید و اعتقاد دارد که قواعد حقوقی بین‌المللی براساس یک دست استاندارد، قابل شناسایی هستند و از این منظر که بر یک سری استاندارد از پیش تعیین‌شده تأکید دارد و با شکل‌گرایی حقوقی در ارتباط است. «تئوری منبع» با برخی عدم قطعیت‌ها روبه‌رو شد که ناشی از ابهام در زبان سلسله استانداردهای شناسایی قواعد بود که موجب دشواری در فهم می‌شد. این مشکل موجب عدم کفایت و ناکافی بودن این تئوری شد. از این رو «تئوری اجتماعی» به این رویکرد اضافه شد تا به آن خودمختاری بدهد. این خودمختاری به‌وسیله امکان استنتاج معنای استانداردهای تعیین‌کننده قاعده از رویه مقامات اعمال‌کننده حقوق که الزاماً فقط مقامات رسمی نیستند، انجام می‌گیرد (D'asprenont, 2011: 1-2). به تعبیر دیگر، «تئوری اجتماعی» سبب شد که از تمرکز بر ساختار رسمی و دولتی خارج شده و به جایگاه و نقش فعالان غیردولتی که عملاً نقش‌آفرینی می‌کنند و با شناسایی و حتی وضع استانداردها، دیگران را متأثر می‌سازند، توجه ویژه شود. جایگاه بازیگران غیردولتی دقیقاً در همین جا تعریف می‌شود. باید اشاره کرد که رژیم‌های مقرراتی غیردولتی فراملی امروزه در عرصه بین‌المللی وجود دارد. این تعبیر به معنای آن است که بازیگران غیردولتی قواعد و استانداردهایی را فراتر از مرزها وضع می‌کنند، به اجرا درمی‌آورند یا اجرای آنها را الزام می‌کنند و می‌توانند در شناسایی قواعد مؤثر باشند. مقررره در این سیاق به‌طور گسترده به ابزاری اشاره دارد که فعالیت شخص، نهاد یا سازمان را به‌نحوی هدایت می‌کند که مطابق قواعد رسمی یا استانداردهای غیررسمی باشد.

درحالی که برخی از ترتیبات ذیل مفهوم رژیم‌های مقررات فراملی غیردولتی ممکن است تنها متشکل از یک شرکت یا صنعت باشند، برخی دیگر ممکن است دربرگیرنده ذی‌نفعان متعددی باشند. این بازیگران ممکن است از سازوکارهای رسمی الزام‌آور مانند قوانین داخلی یا قواعد بین‌المللی یا از سازوکارهای غیررسمی مثل برنامه‌های مجوز، استاندارد یا کدهای رفتاری غیرالزام‌آور سود ببرند (Tusikov, 2017: 339).

گرایشی در حقوق‌شناسی فلسفی است که بسیار به فرم متن وابسته است و با پیروی از چارچوب‌های شکلی به عواملی مانند روح قانون و نتایج حاصل از قواعد قانونی اهمیت کمتری می‌دهد. برای مطالعه بیشتر در این خصوص رک: گلشنی و حسینی مدرس، ۱۳۹۴: ۵۶ به بعد.

منشأ اقتدار قواعد دولتی و استانداردهای غیردولتی

باید بین «اعمال اقتدار» و «اعمال اقتدار مشروع» تفکیک قائل شد. توانایی «فرمان دادن» در قالب چارچوب‌بندی اهداف، رهنمودها و سیاست‌ها، حق فرمان اعطا نمی‌کند. نهادهای داخلی از اقتدار حاکمیتی درونی برخوردارند. این اقتدار، «حق وضع استانداردهای هنجاری و انتظار متابعت از آنها» است. همان‌طور که برونی^۱ و توپ^۲ عنوان کرده‌اند، حقوق دولتی یک حقوق ذاتاً اعلامی است؛ به این معنا که اقتدار مرکزی، با تابعانی که وظیفه آنها تبعیت است، سخن می‌گوید و مواضع آن با نهادهای دولتی رسمی حمایت می‌شود. این نهادها صلاحیت آن را دارند که حقوق را با اقتدار به اجرا درآورند (Brunnée & Toope, 2012: 42). این وضعیت در خصوص بازیگران غیردولتی که بر غیرسلسله‌مراتبی اداره کردن مسائل متکی‌اند، صادق نیست. اقتدار بازیگران غیردولتی با اقتدار دولت، تفاوت عملی دارد. اقتدار این بازیگران به‌طور عمده به پذیرش مشروعیت هنجارین مطالبی وابسته است که توسط آنها اعلام می‌شود و قرار است رفتار برخی را که ممکن است اشخاص خصوصی، سازمان‌های بین‌المللی یا دولت‌ها باشند، به نظم درآورند. یان هورد^۳ در همین زمینه توضیح می‌دهد که مشروعیت، در متابعت از قواعد نقش ایفا می‌کند. این ایفای نقش به‌وسیله فراهم‌سازی دلیل درونی برای یک بازیگر به‌منظور پیروی از قاعده محقق می‌شود. زمانی که بازیگری اعتقاد دارد که قاعده‌ای، مشروع است، متابعت از آن دیگر تنها به دلیل ترس از بازخواست نخواهد بود یا صرفاً به دلیل محاسبه منفعت شخصی نیست، بلکه به دلیل حس درونی تکلیف اخلاقی است. بازیگران غیردولتی برای اینکه اعمال اقتدار کنند، باید مشروعیت هنجاری خود را نشان دهند. این مشروعیت هنجاری نیز با نشان دادن «صلاحیت نهادین» و «اقتدار معرفتی» [شناخت از موضوعات و مبانی معرفتی آنها] رخ می‌دهد (Wheatley, 2009: 223). آنچه این بازیگران در عرصه حفاظت از محیط زیست انجام می‌دهند، دقیقاً برگرفته از اقتدار معرفتی آنها در خصوص شناسایی اهمیت مسئله است. یکی از مواردی که اقتدار حقوق غیردولتی از جمله استانداردها ظاهر می‌شود، زمانی است که قواعد توسط دولت‌ها به اجرا در نمی‌آیند یا آثار آنها چندان شایان توجه نیست. در چنین مواردی این امکان به‌طور فزاینده وجود دارد که نهادهای غیردولتی به سمت وضع استاندارد بروند. فرایند تصویب کنوانسیون پاریس در خصوص تغییر اقلیم، نمونه بارز این موضوع است. درحالی‌که تصمیم کنفرانس اعضا این شد که کشتی‌ها را از متن کنوانسیون مستثنا کنند، اما این موضوع از دید صنعت کشتیرانی پنهان ماند و از سوی بسیاری از مالکان کشتی محکوم شد. این مسئله سبب شد تا انجمن‌های مالکان کشتی سوئد و دانمارک، برنامه‌های کاهش

1. Brunnee

2. Toope

3. Hurd

انتشار گازهای گلخانه‌ای تدارک دیده‌شده را اصلاح کنند و اهمیت بیشتری برای آنها قائل شوند^۱ و دیگران را به پیوستن به این برنامه تشویق کنند (Scott *et al.*, 2017: 255). استانداردهای سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی هرچند یکی از منابع حقوق نرم است، اما سابقه و رویه دولت‌ها نشان داده است که بعضاً پس از مدتی این استانداردها توسط آنها پذیرفته و به‌کار گرفته شده‌اند. این موضوع به‌طور خاص در خصوص اتحادیه اروپا صادق است. برای مثال تصمیمات کمیته اروپایی عادی‌سازی^۲، کمیته اروپایی هماهنگی قواعد الکتریکی^۳ یا مؤسسه استاندارد ارتباط مخابراتی اروپا^۴ به‌جای اینکه مجدداً به دست کشورها وضع شوند، تنها از سوی آنها پذیرفته شده‌اند (Hobe, 2005: 325). این مصادیق نشان از اقتدار استانداردهای سازمان‌های غیردولتی دارد که ناشی از شناخت موضوع و اشراف بر ابعاد مختلف موضوع به‌ویژه مسائل فنی است.

استانداردها در مقابل قواعد

قواعد به‌مثابه «دلایل» یا «منطقی» هستند که با ارائه راهنمایی یا توجیه به اشخاص، انجام افعال مناسب در واکنش به شرایط خاص را ایجاب می‌کنند. قواعد می‌توانند هادی، الهام‌بخش، توجیه‌گر یا عقلانی‌کننده رفتارها باشند. همچنین ممکن است بازگوکننده انتظارات متقابل درباره یک رفتار خاص باشند (Bower, 2017: 50). استانداردها بسیار منعطف و پویا هستند و اغلب برای اشاره به موضوعات فنی به‌کار می‌روند. استانداردها و قواعد دارای خصوصیت‌های معینی‌اند که آنها را از یکدیگر متمایز می‌سازد و نشان می‌دهد که دلایل تمایل به هر کدام از آنها چیست.

۱. انجمن مالکان کشتی سوئد و انجمن مالکان کشتی دانمارک هریک به‌صورت جداگانه برنامه‌ای برای کاهش انتشار دی‌اکسید کربن از سوی کشتی‌ها وضع کرده‌اند. سابقه این برنامه‌ها به سال‌ها قبل بازمی‌گردد، اما پس از سال ۲۰۱۵ اصلاح شده و تلاش برای وارد کردن آن در سازمان‌های بین‌المللی شدت یافته است. برنامه کشور دانمارک از سال ۲۰۰۹ آغاز به کار کرد. در ابتدا این برنامه کاهش ۱۰ درصدی انتشار دی‌اکسید کربن را هدف خود قرار داد که در سال ۲۰۱۳ به ۴۶ درصد رسید. این نتیجه از طریق افزایش بهره‌وری مصرف انرژی حاصل خواهد شد. علاوه بر دی‌اکسید کربن، سولفور نیز می‌بایست کاهش پیدا کند. برای مطالعه بیشتر در خصوص این برنامه ر.ک: Danish Ship Owners' Association, Danish Shipping, Annual Logbook, 2016. وضعیت سوئد کمی متفاوت است. این کشور از سال ۱۹۹۶ یک برنامه داوطلبانه برای کاهش انتشار دی‌اکسید کربن داشته است. اجرای این برنامه رفته‌رفته سبب شد تا اداره دریانوردی سوئد با انجمن مالکان کشتی این کشور تفاهمنامه‌ای منعقد کند. هدف این تفاهمنامه این بود که ظرف ۱۰ سال میزان تولید سولفور و نیترات، ۷۵ درصد کاهش یابد. برای اطلاع بیشتر ر.ک:

Chul-hwan Han, "Strategies to Reduce Air Pollution in Shipping Industry", *The Asian Journal of Shipping and Logistics*, Volume 26 Number 1, 2010.

2. Comite European de Normalization

3. Comite European de Coordination des Normes Electriques

4. European Telecommunication Standard Institute

۱. انعطاف

در حالی که قاعده در پی تعیین رفتار مجاز از قبل است و از دو بخش وقایع بیرونی و نتیجه قانونی تشکیل می‌شود و در صورتی که آن وقایع رخ دهند، نتیجه قانونی رقم می‌خورد، استانداردها در خصوص اینکه چه رفتارهایی می‌توانند به چه نتایج حقوقی منجر شوند، از دقت کمتری برخوردارند. در واقع استانداردها به مجریان، صلاح‌دید بیشتری در خصوص تعیین وقایع رخ داده و نتایج حقوقی قابل اعمال، می‌دهند. به اعتقاد برخی نویسندگان، اعمال و اجرای استانداردها به این معناست که تا زمانی که پرونده‌هایی مطرح نشوند، نمی‌دانیم هنجار یا قاعده چیست (Sunstein, 1995: 998).

۲. هزینه

توسعه قواعد نسبت به توسعه استانداردها هزینه بیشتری دارد، چون تصمیم‌گیرندگان باید از قبل تعیین کنند که چه رفتاری موجب چه نوع نتیجه قانونی خواهد شد، اما استانداردها از منظر اجرایی برای دولت، کم‌هزینه‌ترند، چون لزوم صرف زمان، روشن کردن موضوع و سابقه اعمال اصول به صورت مستمر را کاهش می‌دهند (Sullivan, 1993: 63). با این حال، استانداردها از عدم قطعیت و عدم قابلیت پیش‌بینی رنج می‌برند. این دو خصیصه سبب می‌شود که نیاز به مشورت حقوقی افزایش یابد و از این‌رو هزینه‌های مضاعفی برای اشخاص ایجاد می‌کند. در واقع تابعان برای درک اینکه ملتزم به چه چیزی هستند، باید از نظرهای حقوقی بهره ببرند که این مسئله سبب افزایش هزینه‌های آنها می‌شود. به تعبیر دیگر، باید گفت که هزینه‌ها از دوش واضح به دوش تابعان منتقل شده است.

۳. دموکراتیک بودن

ایده دموکراسی عنوان می‌کند که الزامات قانونی باید توسط نمایندگان مردم و در قالبی از پیش تعیین شده و متحدالشکل تعیین شوند، حالتی پسینی نداشته باشند و اینکه صلاح‌دید مقامات را در فرایند تصمیم‌گیری به طور جدی اثر ندهد و این امکان را فراهم کند که موارد مشابه با تصمیمات متفاوت مواجه نشوند. در حالی که استانداردها دقیقاً یک قالب موسع ترسیم می‌کنند و محتوای هنجاری آنها باید توسط مقامات تصمیم‌گیر پس از بروز واقعه به صورت مشخص تعیین شود (Rosenfeld, 2014: 191). این وصف استاندارد سبب می‌شود که به دور از انصاف باشد، چراکه قابلیت پیش‌بینی آنها کمتر است. البته باید خاطر نشان ساخت که هر چند قواعد، دارای قطعیت و قابلیت پیش‌بینی هستند، اما تنها به برخی وقایع توجه دارند و بعضی دیگر را نادیده می‌گیرند. به عبارت دیگر، هر عمومیتی موجب می‌شود که میزانی بی‌اعتباری رخ دهد و

نوعی عدم تناسب با تمام مصادیق، رقم بخورد (Scalia, 1989: 1177). هارت این موضوع را به کاستی بنیادین که از آن با نام «نقص انسانی»، «نامعلومی نسبی هدف» یا «نادیده گرفتن نسبی واقعیت» یاد می‌کند، پیوند می‌زند (Hart, 2012: 128). به‌طور کلی استانداردها در جایی مناسب‌اند که طیف وقایع، بسیار موسع، متغیر یا پیش‌بینی‌ناپذیرند و از این‌رو ممکن است قواعد در آن حوزه به نتایج نادرستی منجر شوند (Korobkin, 2000: xx). البته باید گفت که این وضعیت به‌طور کلی جاری و ساری نیست و این وصف می‌تواند بسته به موضوع استاندارد، کم‌رنگ‌تر یا پررنگ‌تر باشد. برای مثال استانداردهایی که اتحادیه صنایع الکترونیکی^۱ در خصوص نوع بسته‌بندی یا رنگ مشخص برای هر مسئول مقرر کرده است، کاملاً معین است و حاشیه صلاحدید در آنها به چشم نمی‌خورد.

۴. الزام آور بودن یا نبودن

از منظر حقوق بین‌الملل سنتی اینکه دولت‌ها اسناد نرمی را در حیطه‌های متنوعی از کنترل تسلیحات تا استانداردهای زیست‌محیطی منعقد می‌کنند که از لحاظ حقوقی الزام‌آور نیستند، توجیه‌پذیر نیست (عبداللهی و عباسی، ۱۳۹۷: ۱۲۱). دلیل توجیه‌ناپذیری، احتمال نابرابری الزامات دولت‌هاست، چون نمی‌توان بر اجرای مشابه یا متعادل آنها از سوی طرف‌ها تکیه کرد یا در صورت نقض آنها به ناقض متذکر شد که مسئولیت بین‌المللی دارد. باید گفت این استنباط از استانداردها صحیح نیست و همان‌طور که مشاهده شد، کنوانسیون کار دریایی به‌صراحت استانداردها را دارای الزام می‌داند. از این‌رو استانداردهای دولتی را نباید با استانداردهای خصوصی یکسان تلقی کرد. علاوه‌بر مثال قبلی، برخی از استانداردهای وضع‌شده توسط سازمان‌های بین‌المللی، مانند آنچه ایکائو در حوزه هوانوردی و کیفیت خدمه پرواز وضع می‌کند، کاملاً الزامی بوده و حالت توصیه‌ای ندارند و کشورهای عضو سازمان پذیرفته‌اند که آنها را انجام دهند. دلیل این نوع مخالفت‌ها، تأکید بیش از حد رویکرد سنتی بر شکل‌گرایی و قالب بیان اراده دولت‌هاست. حتی استانداردهای خصوصی نیز به اشکال مختلف دارای سطحی از الزام هستند. برای مثال برخی از استانداردهای خصوصی، در فرایند اجرای معاهدات، فراهم‌سازی قواعد و استانداردهای فنی دارای جزئیات زیاد و ارائه اطلاعات و رصد نحوه اجرای آنها توسط اعضا، مؤثرند. همچنین برخی موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت به استانداردهایی که توسط سازمان‌های غیردولتی وضع شده‌اند، اشاره دارند و آن استانداردها را به حقوق بین‌الملل الزام‌آور مبدل کرده‌اند. برای مثال، بند ۴ ماده ۲ موافقت‌نامه موانع فنی تجارت، در بین تمام استانداردها به استانداردهای سازمان بین‌المللی استاندارد^۲ یا استانداردهای

1. Electronic Industries Alliance (EIA)

2. International Standard Organization

کمیسیون الکترونیکی بین‌المللی^۱ اشاره دارد. هر دو این سازمان‌ها یک سازمان بین‌المللی خصوصی بوده و فاقد شخصیت حقوقی بین‌المللی اند (Hobe, 2005: 325). موافقت‌نامه موانع فنی تجارت^۲ نیز بین مقررات و استانداردهای تفکیک قائل شده است. در کمیته اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی سازمان جهانی تجارت، استانداردهای خصوصی این‌گونه تعریف شده‌اند: اسناد مکتوبی که توسط نهادهای غیردولتی وضع شده‌اند و حاوی قواعد، راهبردها و خصایصی‌اند که به‌واسطه استفاده مکرر یا معمول آنها در تولیدات یا فرایندهای مرتبط تولید از جایگاه خاصی برخوردار شده‌اند. تبعیت از این استانداردها به‌واسطه قانون اجبار نشده است و این استانداردها تنها از طریق برجسب‌زنی یا طراحی رعایت می‌شوند (SPS Committee, 'Report of the Co-Stewards of the Private Standards E-Working Group on Action I' G/SPS/W/276 (18 March 2014), para 8). این تعبیر حاکی از آن است که الزام این استانداردها از طرق عملی و اجرایی و پایبندی به آنها از طریق فعالان یک عرصه فراهم شده است.

استانداردهای غیردولتی و چندپارگی حقوق بین‌الملل

فراهم شدن امکان خودمقرری می‌تواند چالشی برای حقوق بین‌الملل ایجاد کند. این چالش همان چندپاره شدن^۳ حقوق بین‌الملل^۱ است که در حوزه امنیت غذایی مصداق داشته است.

استاندارد مربوط به حفاظت از محیط زیست، خانواده استانداردها ۱۴۰۰۰ است. این استاندارد مربوط به سامانه مدیریت محیط زیست که شماره ۱۴۰۰۱ حالت عمومی دارد و برای تمام کارخانه‌ها فارغ از فعالیتشان وضع شده است. این استاندارد برای آن وضع شده است که آثار زیست‌محیطی فعالیت اندازه‌گیری شود و ارتقا یابد. این خانواده از استانداردها توسط کمیته فنی سازمان توسعه داده شده‌اند. در حالی که این استاندارد به مسئله راهنمای استفاده از محصول در ارتباط با سیستم مدیریت محیط زیست می‌پردازد، استانداردهای دیگر این خانواده به مسائل مختلفی مانند برجسب‌زنی به شماره ۱۴۰۲۰، چرخه عمر محصول به شماره ۱۴۰۴۰ و تغییر اقلیم به شماره ۱۴۰۶۴ مرتبط می‌شوند. تا به حال بیش از ۳۰۰۰۰۰ مورد گواهی‌نامه رعایت این استاندارد توسط سازمان بعد از بررسی‌هایی که به عمل آورده، صادر شده است (<https://www.iso.org/standard/60857.html>). این فراوانی که باید با شرکت‌های تابعه و شعب آنها در نظر گرفته شود و در نهایت تعداد زیادی را در برمی‌گیرد، در خصوص کسب گواهی‌نامه استاندارد زیست‌محیطی نشان از آن دارد که با اینکه این استانداردها لازم‌الاجرا نیستند، اما ابعاد تکالیف اجتماعی تولیدکنندگان و ارائه کیفیت بهتر برای جذب مشتری یا عدم دادن آنها سبب شده است تا این استاندارد از پذیرش بالایی برخوردار شود.

1. International Electro technical Commission
2. Agreement on Technical Barriers to Trade, 1994

این موافقت‌نامه یکی از اسناد منتج از دور اروگوئه و ناظر بر این است که استانداردهای مربوط به بسته‌بندی، علامت‌گذاری و الصاق برجسب در کشورهای مختلف موانع غیرضروری بر تجارت بین‌المللی ایجاد نکنند. دولت‌ها نباید این استانداردها را به گونه‌ای وضع کنند که رفتار ملی را با کالاهای وارداتی نقض کنند. این استانداردها باید براساس یافته‌های علمی و فنی باشد.

3. Fragmentation

استانداردهایی که توسط مؤسسات بین‌دولتی در این حوزه وضع شده‌اند، با مواردی که توسط بازیگران غیردولتی مقرر شده‌اند، اختلاف و تعارض دارند. در همین زمینه کمیته سازمان جهانی سلامت حیوانات^۲ در نشست عمومی هفتم خود در سال ۲۰۰۸ عنوان کرد: «استانداردهای تجاری وضع شده توسط شرکت‌های خصوصی بدون مشارکت مستقیم دولت‌ها به صورت فزاینده‌ای در تجارت بین‌الملل در حال ظهورند که نگرانی عمده اعضای سازمان است». کمیته متعاقب این اعلام نگرانی یک قطعنامه خاص را به تصویب رساند و در آن از سازمان جهانی تجارت خواست تا در ذیل موافقت‌نامه اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی به صورت رسمی سازمان جهانی سلامت حیوانات را به عنوان سازمان مرجع مسئول وضع استانداردهای بین‌المللی مربوط به بیماری‌های حیوانات و تحقیق در این خصوص و فراهم ساختن مبانی علمی برای تجارت بین‌الملل ایمن حیوانات و محصولات دامی شناسایی کند.^۳

هرچند نقش استانداردها و کدهای رفتاری سازمان‌های غیردولتی در ایجاد حقوق بین‌الملل عرفی از طریق شکل‌دهی رویه‌های دولتی کاملاً قابل پیش‌بینی است، در مواردی بعضاً دولت‌ها به صورت آگاهانه مانع از چنین تأثیری می‌شوند که در این وضعیت، چندپارگی می‌تواند به عدم قطعیت و حتی تفاوت در عملکرد منتج شود. افزون بر این، این اسناد بی‌شک جزئی از حقوق نرم هستند و پیشرفت آنها در حوزه‌های تجاری حقوق بین‌الملل می‌تواند به نسبت هنجاری^۴ و سردرگمی تابعان منجر شود. در مقابل باید گفت که افزایش مشارکت کنندگان در منابع هنجاری با وجود این کاستی و چالش، می‌تواند به تضمین ثبات و شفافیت نیز بینجامد (Hobe, 2005: 328). این شفافیت به واسطه رصد و کنترل این بازیگران نسبت به عملکرد یکدیگر رقم می‌خورد. این اثر نه صرفاً به واسطه خود استانداردها، بلکه با تعارضی که با قواعد دولتی الزام‌آور حقوقی دارند، ایجاد می‌شود. به عبارت دیگر، دو فرض متصور است: ۱. اینکه استانداردهای خصوصی با یکدیگر در تعارض قرار گیرند؛ ۲. قواعد بین‌المللی دولتی تحت تأثیر استانداردها به اجرا درنیایند یا اینکه با ابهام مواجه شوند.

مصادیق استانداردهای دولتی و غیردولتی

در این بند به مصادیق مختلف استانداردهای زیست‌محیطی در حوزه دریانوردی و نهادهای

۱. البته تنوع منابع تنها یکی از عوامل چندپاره شدن حقوق بین‌الملل هستند. عوامل دیگر عبارت‌اند از تنوع مراجع

قضایی و شبه‌قضایی و تنوع بازیگران بین‌المللی. برای مطالعه بیشتر در این خصوص ر.ک: علیزاده، ۱۳۸۶: ۹۵

2. World Organization for Animal Health (OIE)

3. OIE, Resolution XXXII, Implications of private standards in international trade of animals and animal products, 76th General Session, 25–30 May 2008, online, available at: http://www.oie.int/download/SG/2008/A_RESO_2008_webpub.pdf

4. Relative Normativity

مالی اشاره می‌شود.

۱. استانداردها در حوزه دریانوردی

در ذیل مسئله حفاظت از محیط زیست دریایی چندین سند وجود دارد که به استانداردها اشاره دارند و در ادامه هریک به تفکیک تبیین می‌شود.

۱.۱. کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲

منشأ ایجاد مناطق به‌ویژه حساس دریایی^۱ کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ است. بند ۶ ماده ۲۱۱ این کنوانسیون امکان ایجاد چنین مناطقی را با تأیید سازمان بین‌المللی دریانوردی در منطقه انحصاری-اقتصادی فراهم کرده است. این مناطق نیازمند ابزار مدیریتی جامع در سطح بین‌المللی برای ایجاد سازوکارهایی به‌منظور جلوگیری از خطرهای ناشی از کشتیرانی است. اقدام‌هایی که در این نواحی انجام می‌گیرد شامل گزارش کشتی‌ها از فعالیت خود در منطقه، محدودیت‌های تخلیه، معیارهای عملیاتی، اقدام‌های ممنوعه، کمک‌های اجباری در حوزه کشتیرانی^۲ و اقدام‌هایی که تحت صلاحیت سازمان است، می‌شود (Oral, 2006: 104). در مقابل، سازمان نیز پیشنهادهایی مثل محدودیت تخلیه آب توازن، محدودیت‌های فصلی برای حمایت از پستانداران، همراهی یدک‌کش‌ها، مناطق ممنوعه^۳ و ... ارائه می‌دهد. مطابق با کنوانسیون، مقررات خاص این منطقه به تخلیه زباله و روش‌های دریانوردی محدود می‌شود و نمی‌توان رعایت استانداردهایی بیش از «استانداردهای بین‌المللی عموماً پذیرفته‌شده» در زمینه تجهیزات را از کشتی‌های خارجی طلب کرد (Huasheng, 2006: 76). در خصوص تبیین مفهوم استاندارد در این ماده باید گفت حتی اگر اعتقاد داشته باشیم که این نوع استانداردها، مقررات ارائه‌شده از جانب بخش صنعت دریانوردی را شامل نمی‌شود، استانداردهای صنعتی می‌توانند به‌عنوان یک مدل در مقررات دولتی مدنظر قرار بگیرند، مثل شیوه حمل روی عرشه که در برخی مقررات ماریول مانند زباله‌های پزشکی اعمال می‌شود و ریشه در استانداردهای وضع‌شده صنعت دریانوردی که غیردولتی‌اند دارند (Bondansky, 2010: 133).

عبارت «قواعد و استانداردهای عموماً پذیرفته‌شده» به‌دفعات در کنوانسیون حقوق دریاها قید شده است. آیا «قواعد» و «استانداردها» در این سند در یک معنی به‌کار رفته یا اینکه دو موضوع متفاوت از یکدیگرند؟ استانداردها به دو گونه تفسیر می‌شوند: اول، این استانداردها همچون قواعد، همان‌هایی هستند که در کنوانسیون‌های لازم‌الاجرا درج شده‌اند؛ دوم، در یک معنای فراحقوقی،

1. PSSA: particularly sensitive sea area

2. pilotage

3. buffer zone

این استانداردها، کیفیاتی هستند که باید به آنها دست یافت. استاندارد در معنی دوم می‌تواند افزون بر معاهدات یا موافقت‌نامه‌های سخت حقوقی، دیگر اسناد مثل قطعنامه‌های سازمان بین‌المللی دریانوردی را نیز در برگیرد (de Souza, 2008: 59). نکته اساسی آن است که قدرت اعطایی به قواعد و استانداردها در این کنوانسیون وابسته به این نیست که آن کشور و به تبع کشتی، ملتزم به آن کنوانسیون مربوطه یا استاندارد موجود در اصول راهنمای سازمان بین‌المللی دریانوردی باشد (Bockenforde, 2002: 260-261). با توجه به اینکه از قواعد و استانداردها در کنار یکدیگر نام برده شده است، این دو بی‌شک متفاوت از یکدیگرند و شامل استانداردهایی که دارای الزامی مشابه با قواعد لازم‌الاجرا نیستند، اما در حوزه دریانوردی مورد پذیرش قرار گرفته و رعایت می‌شود نیز خواهد شد. در واقع تعبیر استانداردها عاری از وصف دولتی یا خصوصی است و از این رو هر دو آنها را در صورت «عموماً پذیرفته شدن»، شامل می‌شود.

۱.۲. استانداردهای کاهش گازهای گلخانه‌ای کشتی‌ها

دریانوردی مملو از شواهد و نمونه‌هایی از نقش استانداردهای خصوصی در کنترل و مدیریت فراملی این حوزه است. این موارد در حوزه طبقه‌بندی کشتی، بیمه کشتی‌ها و (کلوپ‌های P&I)^۱ مشاهده می‌شوند. صنعت دریایی توانایی شگرفی در حل کاستی‌های نهادین خود در وضع مقررات حوزه ایمنی کشتی و حفاظت از محیط زیست دارد. نکته درخور توجه در خصوص این توانایی، نقش اساسی تشکلهای عظیم حوزه صنعت کشتیرانی و صنایع جانبی آن است که رقابت میان خود را به همکاری میدل ساخته و استانداردهای خصوصی را وضع کرده‌اند که به‌عنوان شرطی برای عضویت در آن تشکلهای در نظر گرفته می‌شوند (Scott et al., 2017: 237).

درحالی‌که استانداردهای خصوصی در مقایسه با قوانین ملی فاقد وصف «وضع و کنترل قواعد»^۲ هستند، شواهد حاکی از توسعه آنها برای کاهش هزینه‌های اجتماعی و زیست‌محیطی است. در حوزه تغییر اقلیم، تورمی از استانداردهای خصوصی به‌بار آمده است. هم‌اکنون ۵۰

۱. کلوپ‌های P&I نهادهای بیمه متقابل‌اند. این سازوکارها غیرانتفاعی بوده و یک مؤسسه تعاونی‌اند. صاحبان کشتی با درخواست از این کلوب‌ها و تأیید آنها یک حق عضویت می‌پردازند که براساس تناژ کشتی است و در صورت بروز خسارت همه اعضای کلوب به جبران خسارت می‌پردازند. امروزه دامنه اقدام‌ها و فعالیت‌های آنها به امور بیمه‌ای و جبران خسارت محدود نمی‌شود و برای امکان تحصیل عضویت در خود استانداردهایی در باب محیط زیست، طراحی و جنس کشتی را نیز وضع کرده‌اند. برای مطالعه بیشتر در این موضوع ر.ک:

Philip Anderson, "the mariner's guide to marine insurance", Nautical Institute, 1999, especially pages 24 & 25

2. Command and Control

برای مطالعه بیشتر ر.ک:

جعفرزاده، صادق و بیگزاده، ابراهیم، «تبارشناسی راهبرد های تقنینی حوزه محیط‌زیست، چالش‌ها و مصادیق»،

مجلس و راهبرد، سال بیست و ششم، شماره ۹۹، ۱۳۹۸

مورد سند^۱ در حوزه تغییر اقلیم وجود دارند که توسط سازمان‌های موجود در جامعه مدنی یا شرکت‌های خصوصی وضع شده و راهبری می‌شوند (Scott et al., 2017: 238). در حوزه انتشار گازهای گلخانه‌ای توسط کشتی‌ها، استانداردهای خصوصی توسط بخش صنعت کشتی‌سازی و بدون کمترین مداخله از سوی سازمان‌های غیردولتی غیرانتفاعی وضع شده‌اند و توسط مالکان بار، مالکان کشتی‌ها و متصدیان حمل‌ونقل، ترویج و اجرا می‌شوند. حتی در مواردی که استانداردها توسط ارکانی که مستقل از بخش صنعت هستند، وضع شده‌اند، همچنان بازیگران حوزه کشتیرانی نقش کلیدی در آنها ایفا می‌کنند. برای مثال می‌توان به «گروه کاری بار پاک»^۲ اشاره کرد که یک برنامه جهانی برای ارتقای وضعیت زیست‌محیطی حمل‌ونقل بار کشتی است و توسط سازمان غیردولتی به نام «میزگرد پایداری بازرگانی»^۳ وضع شده است.^۴ وابستگی متقابل شرکت‌ها به یکدیگر در حوزه‌هایی مانند کشتیرانی یکی از عناصر کلیدی و اثرگذار بر وضع استانداردهای خصوصی است و این وابستگی به نحوی اجرا و متابعت از آنها را تضمین می‌کند (Scott et al., 2017: 254). به تعبیر دیگر، سلسله فعالان خصوصی در عرصه دریانوردی در تلاش‌اند تا از قدرت خود در این زنجیره استفاده کنند تا دیگران را ملزم به رعایت استانداردها کنند.

۲. استانداردهای زیست‌محیطی مؤسسات مالی

بانک جهانی، آژانس‌های ملی اعتبار صادرات و بانک‌های خصوصی همگی رویه‌های ارزیابی زیست‌محیطی دارند. البته فراوانی نهادهایی که چنین استانداردهایی را اجرا می‌کنند، در همه‌گیر بودن این استانداردها مؤثرند، اما به دلیل اینکه مؤسسات مالی «کثیف»^۵ همچنان وجود وجود دارند و تمام آنها «سبز»^۶ نیستند، الزامات ارزیابی آثار زیست‌محیطی همه‌گیر نبوده و این امر موجب عدم جامعیت استانداردها می‌شود (Schaper, 2009: 305-306). تمام قواعد و استانداردهایی که در نهادهای مالی برای ارزیابی آثار زیست‌محیطی طرح‌ها

۱. برای اطلاع از این اسناد و نهادهای واضع آنها ر.ک:

Kenneth W Abbott, The Transnational Regime Complex for Climate Change, First Published January 1, 2012, Environment and Planning C Government and Policy.

2. Clean Cargo Working Group (CCWG).

3. Business Sustainability Roundtable.

۴. این برنامه که در واقع یک ابتکار برای رهبری تجاری در راستای کاهش آثار زیست‌محیطی حمل‌ونقل جهانی کالا، با حضور برندهای معتبر، مالکان کشتی و بیمه‌گران فعالیت می‌کند. این سازوکار یکدست استانداردهای صنعتی برای ارزیابی و گزارش‌دهی میزان انتشار دی‌اکسید کربن وضع کرده است. برای اطلاع بیشتر از حوزه فعالیت و چگونگی عمل این برنامه جهانی ر.ک:

<https://www.bsr.org/collaboration/groups/clean-cargo-working-group>

5. dirty

1. green

وضع شده‌اند، به دلیل فشار عمومی بوده است. برای مثال استانداردها در بانک جهانی پس از فشار فعالان آمریکایی و تلاش آنها برای استفاده از اهرم قدرت و نفوذ کنگره و تأثیر بر منابع مالی مؤسسه بین‌المللی توسعه وضع شدند. قواعد حاکم بر آژانس‌های ملی اعتبار صادرات نیز تقریباً چنین وضعیتی دارند. گروهی از فعالان زیست‌محیطی در ابتدا تلاش کردند تا بانک صادرات و واردات آمریکا را از طریق طرح دعوا بر پایه قواعد زیست‌محیطی متأثر سازند؛ بعدها این رایزنی وسعت یافته و به کشورهای دیگر تسری یافت و نتیجه کار در سازمان کشورهای توسعه‌یافته (OECD Recommendation of the Council on Common Approaches for Officially Supported Export Credits and Environmental and Social Due Diligence 2016 and revised 2012) ظاهر شد. آژانس‌های اعتباری صادرات به دلیل دیپلماسی ایالات متحده و تعامل فعالان زیست‌محیطی آمریکایی با فعالان دیگر کشورهای عضو سازمان کشورهای توسعه‌یافته ملزم به ارزیابی آثار زیست‌محیطی شدند. در حالی که در ابتدا تنها آژانس‌های آمریکایی چنین الزامی داشتند که متأثر از قوانین و مقررات داخلی آنها بود، اما استاندارد سازمان کشورهای توسعه‌یافته موجب فراگیر شدن این مسئله شد. مطابق با استانداردهای سازمان کشورهای توسعه‌یافته در صورتی که یک آژانس مالی بیش از ۱۰ میلیون «حق برداشت ویژه»^۱ در یک طرح داشته باشد یا آن طرح در منطقه حساس باشد، باید ارزیابی به عمل آورد. اتفاقی که در اجرای استاندارد مربوط به آژانس اعتباری صادرات رخ می‌دهد، نوعی «الزام طرف ثالث به مشارکت» است. مطابق با این استاندارد، صادرکنندگانی که کالاها و خدماتی را برای طرح‌های مشمول این استاندارد فراهم می‌کنند، مسئول اجرای الزامات زیست‌محیطی‌اند. در واقع دولت‌ها وظیفه تنظیم‌کنندگی خود را به آژانس‌های کشورهای عضو تفویض کرده‌اند (Gilboy, 1998: 135). یکی از آثار چنین استانداردهایی، تضعیف آژانس‌های ملتزم به آنها در برابر رقبایشان از کشورهای استانی است که چنین استانداردهایی ندارند، چراکه خدماتشان گران‌تر می‌شود. در نتیجه این مسئله موجب آسیب به اقتصاد کشورهای عضو سازمان کشورهای توسعه‌یافته می‌شود. همین مسئله سبب شد تا تلاش‌هایی برای پیروی از این استانداردها توسط بانک‌های کشوری مانند چین انجام گیرد (Bosshard, 2006: 4).

بانک‌های خصوصی در این مسیر، تجربه متفاوت‌تری داشتند. آنها به صورت مستقیم توسط فعالان زیست‌محیطی تهدید شدند. فعالان عنوان کرده بودند که در صورت عدم الزام به رعایت مقررات ارزیابی آثار زیست‌محیطی طرح‌ها، کارت‌های اعتباری بانک‌ها را تحریم خواهند کرد. در نتیجه بانک‌ها، استاندارد خصوصی «اصول استوا»^۲ را پذیرفتند (Schaper, 2009: 307).

2. Special drawing rights

۱. Equator principles یک چارچوب ارزیابی ریسک است که توسط مؤسسات مالی تصویب شده تا با استفاده از آن به ارزیابی، تعیین و مدیریت ریسک‌های زیست‌محیطی و اجتماعی پروژه پرداخت. برای اطلاع بیشتر ر.ک: <https://equator-principles.com>

سندی که در ذیل همکاری بانک جهانی و صندوق حفاظت از طبیعت در مورد استفاده پایدار از جنگل‌ها وضع شده، بسیار مثال‌زدنی است. پیمان بین بانک جهانی و صندوق از یک «اصول راهنمای مجوز ارزیابی جنگل»^۱ استفاده می‌کند. این سند به‌منظور تعیین اینکه آیا «سامانه‌های مجوز مدیریت پایدار جنگل‌های تجاری»، معیار پیمان را رعایت کرده‌اند یا خیر، استفاده می‌شود. این اصول راهنما، اهمیت خاصی به قواعد و استانداردهای وضع‌شده توسط بازیگران غیردولتی می‌دهد. این اصول راهنما برای تعیین اینکه آیا «سامانه‌های مجوز مدیریت پایدار جنگل‌های تجاری» مناسب است، به‌طور خاص روی «پیمان بین‌المللی برچسب‌زنی و مجوز اجتماعی و زیست‌محیطی»^۲ تأکید دارد. این پیمان یک سازمان غیردولتی جهانی است و هدفش ایجاد ثبات اکولوژیکی در جهان و برقراری شرایط عادی و عدالت اجتماعی است.^۳

نتیجه‌گیری

در حقوق بین‌الملل استفاده از الفاظ نمی‌تواند در جهت تعیین الزام‌آور بودن یا نبودن یک هنجار به‌عنوان دلیلی قاطع باشد. امروزه برخی از مفاد الزام‌آور اسناد بین‌المللی با عنوان «استاندارد» مطرح می‌شوند. هرچند می‌توان استانداردها را به دو دسته خصوصی و دولتی تقسیم کرد و با اینکه استانداردهای خصوصی حاصل عملکرد بازیگران غیردولتی است، آنها نیز به انحاء مختلف، درجاتی از الزام را به‌همراه دارند. برای مثال یکی از آثار مهم و اساسی دستورالعمل‌های رفتاری این است که اگر استانداردهای بین‌المللی داشته باشیم که مورد قبول دولت‌ها هم قرار گرفته‌اند و به آنها عمل می‌شود، می‌توان آنها را به‌عنوان شاهدهی وجود عملکرد (رویه) دولت و متعاقباً با حصول دیگر شرایط، عرفی تلقی کرد. افزون‌بر این، استانداردها می‌توانند در راستای تفسیر متن معاهدات نیز استفاده شوند. در مواردی که متن یک معاهده به استانداردهای بین‌المللی عموماً پذیرفته‌شده ارجاع می‌دهد، تمام استانداردهای مربوط به آن موضوع می‌توانند برای تفسیر تکلیف مربوطه و حدود آن به‌کار روند.

در راستای توجیه درجه الزام استانداردهای خصوصی با این توضیح که استانداردهای خصوصی به‌طور سنتی در زمره حقوق نرم دسته‌بندی شده‌اند، باید گفت اولاً هم حقوق بین‌الملل «نرم» و هم حقوق بین‌الملل «سخت» به‌دنبال ارجاع به هنجارهای حقوقی معرف رفتار مشروع دولت‌ها و دیگر بازیگران هستند؛ ثانیاً هر دو آنها سیاستگذاران داخلی را متأثر می‌سازند؛ ثالثاً هر دو آنها برای اینکه به‌طور مؤثری اجرا شوند، کم و بیش مبتنی بر عملکرد مؤسسات [نهادهای] دولتی هستند؛ رابعاً هر دو آنها مبتنی بر یک جامعه تفسیرکننده پیچیده

2. Forest Certification Assessment Guide (FCAG)

3. International Social and Environmental Accreditation and Labelling Alliance (ISEAL)

4. <https://www.isealliance.org>

متشکل از ارکان قضایی، مقامات رسمی و غیررسمی اند تا فعل دولت‌ها و دیگر بازیگران را براساس مقررات هنجارین «قضاوت» کنند (Wheatley, 2009: 219). مستنبط از مطالب عنوان شده باید گفت اکثر قریب به اتفاق استانداردها ناظر بر موضوعات فنی بوده و دارای پیچیدگی علمی خاصی اند که مستلزم داشتن علم و تخصص است. اشاره اسناد بین‌المللی الزام آور به استانداردها به واسطه تحولی که ممکن است در این استانداردها رخ دهد، موجب سیالیت و انعطاف در محتوای آن اسناد خواهد شد و در واقع چنین مفادی در معاهدات یا تصمیمات سازمان‌های بین‌المللی حاکی از تحول همیشگی است که از یک سو لازمه موضوعات فنی و تخصصی است که با افزایش سطح علم و آگاهی رخ می‌دهد و از سوی دیگر، به نوعی به هنجاریت نسبی آن اسناد منجر می‌شود. پذیرش چنین اسنادی از سوی دولت‌ها در واقع تحول شگرفی در حقوق بین‌الملل است، چراکه دولت‌ها با پذیرش این اسناد، قبول می‌کنند که تغییر بخشی از الزامات به عهده بازیگران غیردولتی باشد -مستقیم یا غیرمستقیم- چون این پیش‌فرض را در ذهن دارند که آنها با تخصص خود استاندارد بهتری تدارک می‌بینند. افزون بر این، بازیگران غیردولتی همیشه ملزم به تبعیت از یک دسته استاندارد بین‌المللی مشخص نیستند و هر یک از آنها چه به صورت فردی و چه گروهی می‌توانند از استانداردهای متفاوتی تبعیت کنند که این مسئله موجب تنوع و تکثر در هنجارها خواهد شد.

منابع

۱. فارسی

- مقالات

۱. جعفرزاده درابی، صادق و بیگزاده، ابراهیم (۱۳۹۸)، «تبارشناسی راهبردهای تقنینی حوزه محیط‌زیست، چالش‌ها و مصادیق»، *مجله مجلس و راهبرد، سال بیست و ششم، شماره ۹۹، صفحات ۳۰۵-۳۳۰*.
۲. عبدالمهدی، محسن؛ عباسی، اصلی (۱۳۹۷)، «پدیده‌شناسی تکوین حقوق نرم در چهارچوب نظام هنجاری حقوق بین‌الملل»، *مجله تحقیقات حقوقی، ش ۸۲، صص ۱۰۷-۱۳۰*.
۳. علیزاده مسعود (۱۳۸۶)، «نگاهی نو به پدیده چندپاره شدن حقوق بین‌الملل»، *فصلنامه اطلاع‌رسانی حقوقی، سال ششم، شماره ۱۲، صفحات ۹۳-۱۰۳*.
۴. فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۸۷)، «رویارویی عقل و واقعیت: مسئله منابع (۲)»، *سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی، ش ۴، صص ۳-۳۶*.

۵. گلشنی، عصمت و حسینی مدرس، سید مهدی (۱۳۹۴)، «مقایسه اثر مکاتب تفسیری اقتصادی و فرمالیستی بر حقوق»، *دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی*، دوره جدید، سال بیست و دوم، شماره ۷، صفحات ۴۹-۶۶.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Anderson, Philip (1999), *the Mariner's Guide to Marine Insurance*, Nautical Institute.
2. Bockenforde, Markus (2002), "the Introduction of Alien or New Species into the Marine Environment: a Challenge for Standard Setting and Enforcement" , *Marine Issues from a Scientific, Political and Legal Perspective*, edited by: Peter Ehlers, Elisabeth Maan-Borgers and Rudiger Wolfrum, Leiden Netherland, Kluwer law international, first published.
3. Bondansky, Daniel (2010), *the Art and Craft of International Environmental Law*, first published, Harvard college press.
4. Bower, Adam (2017), *Norms without the Great Powers International Law and Changing Social Standards in World Politics*, Oxford University Press.
5. Brunnée, Jutta & J. Toope, Stephen (2012), *Constructivism and International Law*, Cambridge University Press.
6. D'aspremont, Jean (2011), "Non-State Actors from the Perspective of Legal Positivism: the Communitarian Semantics for the Secondary Rules of International Law", *Participants in the International Legal System Multiple perspectives on non-state actors in international law*, Edited by Jean d'Aspremont, Routledge publisher.
7. de Souza, Rolim Maria Helena Fonseca (2008), *the International Law on Ballast Water*, Leiden Netherland, Martinus Nijhoff , first published.
8. Hobe, Stephan (2005), *the Role of Non-State Actors, in particular of NGOs, in Non-Contractual Law-Making and the Development of Customary International Law, the development of international law: in treaty making*, springer.
9. Huasheng, Hong (2006), "Integrated Coastal Zone Management, Recent Development in the Law of the Sea and China", Edited by: Myron H. Nordquist , John Norton Moore and Kuen Chen Fu, first published, Leiden Netherland, Martinus Nijhoff.
10. L. A. Hart, Herbert (2012), *the Concept of Law*, Oxford University Press, 3ed.
11. Moïse, Mbengue Makane (2011), "Non-State Actors in International Environmental Law A Rousseauist Perspective", *Participants in the International Legal System Multiple perspectives on non-state actors in international law*, Edited by Jean d'Aspremont, Routledge publisher.
12. Oral, Nilufer (2006), *Protection of Vulnerable Marine Ecosystems in Areas Beyond National Jurisdiction*, "unresolved issues and new challenges to the law

of the sea", edited by: Anastasia Strati, Maria Gavouneli and Nikolaos Skourtos, first published, Leiden Netherland, Martinus Nijhoff.

13. Schaper Marcus (2009), "Non-State Environmental Standards as a Substitute for State Regulation?", *Non-State Actors as Standard Setters*, Edited by Anne Peters, Lucky Koechlin, Till Forster, and Gretta Fenner Zinkernagel, Cambridge University Press.
14. Trebilcock, Anne (2018), "Why the Shift from International to Transnational Law Is Important for Labour Standards", *Labour Standards in International Economic Law*, edited by: Henner Gott, Springer.
15. Tusikov, Natasha (2017), "Transnational Non-State Regulatory Regimes", *Regulatory Theory*, Edited by Peter Drahos, ANU Press.
16. Wheatley, Steven (2009), "Democratic Governance Beyond the State: the Legitimacy of Non-State Actors as Standard Setters", *Non-State Actors as Standard Setters*, Edited by Anne Peters, Lucy Koechlin, Till Forester, and Gretta Fenner Zinkernagel, Cambridge university press.
17. Z.Tamanaha, Brian (2001), *a General Jurisprudence of Law and Society*, Oxford University Press.

B) Articles

18. B. Korobkin, Russell (2000), "Behavioral Analysis and Legal Form: Rules vs. Standards Revisited", *79 Orlando. Law. Review*, 23, pp. 23-60.
19. Chul-hwan, Han (2010), "Strategies to Reduce Air Pollution in Shipping Industry", *The Asian Journal of Shipping and Logistics*, Vol. 26 No. 1, pp. 7-29.
20. Friedrich, Rosenfeld (2014), "The Trend from Standards to Rules in International Investment Law and Its Impact upon the Interpretive Power of Arbitral Tribunals", *American Society of International Law*, Vol.108, pp. 191-193.
21. Gilboy, Janet (1998), "Compelled Third-Party Participation in the Regulatory Process: Legal Duties, Culture, and Noncompliance", *Law and policy Denver University*, Vol. 20, Issue 2, pp. 135-155.
22. R. Sunstein, Cass, (1995), "Problems with Rules", *83 University of Chicago Law School Chicago Unbound Law. Review*, 953, pp. 953-1026.
23. Scalia Antonin (1989), "the Rule of Law as a Law of Rules", *56 University of Chicago Law. Review*, pp. 1176-1188.
24. Scott, Joanne; Smith, Tristan; Rehmatulla, Nishatabbas & Milligan, Ben (2017), "The Promise and Limits of Private Standards in Reducing Greenhouse Gas Emissions from Shipping", *Journal of Environmental Law*, pp. 231-262.
25. Sullivan, Kathleen (1993), "Foreword: The Justices of Rules and Standards", *105 Harvard. Law. Review*, 22, pp. 22-124.
26. Twining, William (2003), "a Post-Westphalian Concept of Law", *Law and Society*, Vol. 37, Issue 1, pp. 199-258.

C) Documents

27. Maritime Labor Convention, 2006, as amended at (2014), (2016) and (2018).
28. Agreement on Technical Barriers to Trade, 1994.
29. United Nations Convention on the Law of the Sea, 1982.
30. OECD Recommendation of the Council on Common Approaches for Officially Supported Export Credits and Environmental and Social Due Diligence Diligence, 2012 and revised 2016.
31. OIE, Resolution XXXII, Implications of private standards in international trade of animals and animal products, 76th General Session, 25–30 May 2008.
32. Danish Ship owners' Association, Danish Shipping, Annual Logbook, 2016.
33. SPS Committee, 'Report of the Co-Stewards of the Private Standards E-Working Group on Action I' G/SPS/W/276, 18 March 2014.

D) Websites

34. <https://equator-principles.com> (Accessed on 11.4.2019)
35. <https://site.rightship.com> (Accessed on 1.3.2019)
36. <https://www.bsr.org/collaboration/groups/clean-cargo-working-group> (Accessed on 3.12.2018)
37. https://www.iisd.org/business/tools/principles_ceres.aspx (Accessed on 2.3.2019)
38. <https://www.isealalliance.org/> (Accessed on 15.4.2019)
39. <https://www.internationalrivers.org/resources/export-credit-agencies-and-environmental-standards-an-invitation-to-join-the-dialogue-4095> (Accessed on 10.12.2018)
40. <https://www.iso.org/standard/60857.html>